

مِنِيَّةُ الْمُرِيدِ

فِي آدَبِ الْمَفِيدِ وَالْمُسْتَفِيدِ

تأليف

الشيخ زين الدين بن علي العاملي

القمي الشهير بالثاني

(١١١ - ١٠٦٥ هـ)

تحقيق

رضا الخناري

تصحیح تازه

منية المرید

محمد علی مهدوی راد

منية المرید فی أدب المفید والمستفید. زين الدين بن علي العاملي (شهيد ثاني)، تحقيق رضا مختاري. (چاپ اول: قم، مكتب الاعلام الاسلامي، ١٤٠٩ ق/١٣٦٨ ش). ٤٩٦ ص، وزبوي.

پیامبر بزرگ اسلام به هنگامی فرمان بعثت یافت و از غار حراء با آیاتی از «قرانت» و «تعلیم» سخن گفت^۱ و به جایگاه بلند دانش و پرورش علمی و فکری با تعبیری لطیف تنبه داد^۲ که در جزیره العرب جهل و ناآگاهی بیداد می کرد و جزئی معدود از نگارش و کتابت آگاهی نداشتند. در ادامه ابلاغ مکتب و گسترش آیین حق نیز پیامبر همواره به دانش اندوزی و تعلیم و تعلم تاکید ورزید و جایگاه بلند دانش و معرفت را ترسیم کرد. محدثان آورده اند که:

پیامبر خدا از خانه بیرون آمد، در مسجد دو مجلس دید: در یک مجلس دانش اندوزی و تفقه در دین می شد و مجلس دیگر به دعا خواندن و از خداوند مسألت کردن می گذشت پیامبر فرمود: «هر دو مجلس نیک است؛ آن گروه خدا را می خوانند و گروه دیگر می آموزند و مطالب را به نادانان می فهمانند؛ اما این گروه آموزشگران برترند، و من برای آموزشگری و تعلیم مبعوث شده ام؛ آنگاه در کنار ایشان نشست»^۳.

این روایت به روشنی از یک سوی ارجگذاری بی بدیل پیامبر به تعلیم و تعلم را می رساند، و از سوی دیگر نشانگر آن است که فلسفه بعثت پیامبر و پیامبران برای زدودن غبار جهل از آینه ذهن و گستراندن آگاهی بوده است. آیات و روایات این موضوع بسیار فراوانتر از آن است که در این یاد کرد کوتاه بگنجد؛ پیامبر گاه از زبان وحی «نابرابری آگاهان و ناآگاهان» را مطرح می ساخت^۴ و به دیگر نگاه ضمن ارجگذاری به دانش و لزوم فراگیری آن، انسان را به تعلیم و تعلم «از گهواره تا گور»^۵ فرا می خواند، و برای دست یافتن به آن حتی اگر در دور دست ترین مکانها باشد ترغیب و تشویق می فرمود^۶. پیامبر بزرگوار اسلام عالمان را به ستارگان فروزان آسمان مانند می کرد،^۷ و بدین سان جایگاه رفیع هدایتگری آنان را گوشزد می نمود و از هیچ گونه ستایش و بزرگداشت عالمان دریغ نمی ورزید و در برتری آنان بر عابدان می فرمود: فضیلت عالم بر عابد همسان برتری و فضیلت من بر پایین ترین افراد مردم است^۸. ... این ارجگذاریها و حرمت نهادن بخش عظیمی از آثار منقول از پیامبر و امامان ع- را فرا می گیرد. گفتار

شکوهمند و بلند علی-ع- نیز تنبّه آفرین است که از یک سوی فرمود: «العلم اصل کل خیر» و از سوی دیگر فرمود: «الجهل اصل کل شر»^{۱۱}. و این بیان «زیباترین روح پرستنده»، حضرت سید الساجدین-ع- است که فرمود: «لوعلم الناس مافی طلب العلم، لطلبوه ولو سفك المهج وخوض اللجج»؛ (اگر مردم ارزش علم و دانش اندوزی را می دانستند، به جستجوی آن برمی خواستند؛ اگر چه به ریختن خونها بیانجامد و به فرو رفتن در گردابهای مرگبار^{۱۱}).

تعالیم الهی در این زمینه -چنانکه پیشتر یاد کردیم- بسیار گسترده است و در لابلای سطور زرین این روایات، ارزش تعلیم و تعلّم، شیوه های برخورد متقابل استاد و شاگرد و... فراوان توان یافت.

گفتنی است که از دیرباز محدثین در تدوین جوامع حدیثی، این گونه روایات را در بابی ویژه گرد می آورده اند.^{۱۲} که در سده های واپسین و به هنگام گسترش آثار مدوّن در ابعاد مختلف فرهنگ اسلامی، محققان و متفکران اسلامی بر پایه این روایات، کتابها و آثار گرانقدر و راهگشایی در زمینه شیوه های تعلیم و تعلّم، کتابت، نشر علم و حدیث، آداب استادی و شاگردی، روشهای بحث و جدال و... پرداختند. از جمله کهنترین این آثار، کتاب آداب المتعلمین ابو عبد الله محمد بن سخنون (م ۲۵۶ ق) است که در ذیل عناوینی مربوط به معلمان، روایات را عرضه کرده است^{۱۳}.

البته به جز اثر یاد شده، کتابهای دیگری نیز در آیین دانشوری و دانش پژوهی در حوزه فرهنگ اسلامی فراهم آمده که در ذیل به برخی از آنها اشاره می شود؛ تقیید العلم از خطیب بغدادی (م ۴۶۳ ق)، ادب الاملاء والاستملاء از عبدالکریم محمد بن منصور سمعانی (م ۵۶۲ ق)، احیاء النفوس فی صنعة القاء الدروس از کفی الدین علی بن عبدالکافی، سبکی شافعی «تذکرة السامع والمتکلم فی ادب العالم والمتعلم از ابن جماعه کنانی (م ۷۳۳ ق)^{۱۴} - که همگونی فراوان با منیه المرید شهید ثانی دارد- جامع بیان العلم وفضله وما ینبغی فی روایت و حمله از ابن عبد البر قرطبی (م ۴۶۳)،^{۱۵} الدر النضید فی ادب المفید والمستفید از بدرالدین محمد بن رضی الدین غزی (م ۹۸۴ ق)، شفاء المتعلم فی آداب المعلم والمتعلم از عبداللطیف بن عبدالرحمن مقدسی شافعی (معروف

به ابن نباته)، منهج المتعلم از ابو حامد محمد بن محمد غزالی (م ۵۰۵ ق) تعلیم المتعلم طریق التعلم از برهان الدین زرنجی (م حدود ۵۹۱ ق)،^{۱۶} و سرانجام می توان به منیه المرید فی ادب المفید والمستفید، اثر گرانقدر و عظیم النظیر زین الدین بن علی العاملی، معروف به شهید ثانی (۹۱۱-۹۶۵ ق) اشاره کرد.

مؤلف کتاب از قله های افراشته فرهنگ اسلامی و از چهره های خونین تشیع و یکی از گرانقدرترین شخصیت های سلسله منور فقیهان تشیع است. گفتگو از عظمت وی و تحلیل آثار گرانقدر او در فسحت این مقال نیست و آنرا مجالی دیگر باید. وی به سال ۹۱۱ از مادر بزاد و پس از سالها تعلیم و تعلّم، ژرفکاوای در معارف و فقه اهل بیت و بر جای نهادن دهها اثر گرانقدر و سودمند و تربیت کردن شاگردانی بزرگ، سرانجام به سال ۹۶۵ شهد شهادت نوشید و خونین چهره به لقاء الله شتافت. شهید -رضوان الله علیه- چه در تعلیم و تعلّم و فراگیری دانش و نشر آن، و چه در بهره وری از منابع و مآخذ، از هیچ کوششی دریغ نورزید و در دست یابیدن به مطلوب؛ آثار و مآثر، کلیه جریانهای فرهنگ اسلامی را در نور دید. او از بسیاری عالمان عاقله اجازه حدیث دارد و در محضر بسیاری از آنان تلمذ نموده است، چنانکه به بسیاری اجازه داده است و آنان از محضرش بهره برده اند.

منیه المرید فی ادب المفید والمستفید

منیه المرید از مایه ورتترین و رهگشایترین و بهترین آثار است که در اخلاق علمی و سلوک دانش اندوزی نگاشته شده است. کتاب در یک مقدمه و چهار باب و یک خاتمه سامان یافته است؛ بدین سان: مقدمه در ارزش دانش و فراگیری و آموختن آن از دیدگاه قرآن و احادیث و آثار. باب اول: وظایف گونه گون شاگرد و استاد؛ باب دوم: آداب مفتی و مستفتی و فتوا و شرایط آن؛ باب سوم: آداب و آفات مناظره و مباحثه؛ باب چهارم: آیین کتابت و نگارش. و خاتمه کتاب، عهده دار تبیین مراتب علوم شرعی و مقدمات آنها و بالأخره اندرزها و پندهای شهید به طالبان علم و دانشجویان است. منیه المرید در حوزه های علوم اسلامی، همواره از جایگاه بلندی برخوردار بوده است؛ عالمان بزرگ و مربیان گرانقدر حوزه های تشیع به در نگریستن، آموختن و آموزاندن آن توصیه ها فرموده اند و جایگاه

بلند و نقش والای آن را ستوده‌اند. ابن عودی (شاگرد شهید)، در ضمن یاد کرد آثار شهید از آن چنین یاد می‌کند:

از جمله آثار اوست منیه المرید، در یک مجلد؛ که حاوی مطالب مهم و گرانقدر و دارای فوائد شریف و ارزشمند است. این کتاب آخرین سخن را در برانگیختن و ترغیب به فراگرفتن فضایل و دوری از رذایل و آراسته شدن به شیوه نیکان عالمان و وارستگان به همراه دارد.^{۱۷}

فقیه وارسته و عالم بزرگ و درگیر؛ مرحوم آیه الله میرزا حسن شیرازی ضمن ستایش از کتاب در تقریظی بر اولین چاپ آن، مطالعه آن را به اهل علم توصیه کرده و فرموده‌اند:

چقدر شایسته است که اهل علم مواظبت نمایند به مطالعه این کتاب شریف و متأدب شوند به آداب مزبوره در آن.^{۱۸}

همچنین مرحوم آیه الله سید محسن امین عاظمی، ضمن ارجگذاری به آثار و نگاشته‌های مرحوم شهید و شمارش برجستگیها و ابتکارهایش، تعبیر زیبایی درباره منیه المرید نوشته‌اند:

وَأَلَّفَ هُوَ فِيهِ مَنِيَّةَ الْمُرِيدِ فَلَمْ يَبْقَ بَعْدَهَا مَنِيَّةٌ، لِمُرِيدٍ.^{۱۹}

منیه المرید به عنوان یک اثر تعلیمی، اقالیم قبله را در نوردیده و در مجامع بزرگ دانش در اقالیم بشری نیز، در جایگاه بلندی قرار گرفته است. دانشمند فقید علی اصغر حکمت از چگونگی اطلاع خود بر این اثر نفیس سخنی دارد که یاد کردنش خالی از لطف نیست:

کسانی که فریفته ظاهر تمدن اروپا شده‌اند... شاید از علوم و فنون شرعی و اسلامی که بزرگان ما در طول قرون متوالیه در آن تتبع و استقصاء کرده و بحث و مطالعه فرموده و کتابها به یادگار گذاشته‌اند، غافل بمانند؛ لیکن برخلاف آنها، طالبین علم و معرفت در اصقاع فرهنگستان ممالک شرقی را مانند ویرانه مملو از گنجها نهفته دانش و دینه‌های فنون می‌دانند و با شوق بی پایان و تحمل انواع صدمات و شداید یا به مسافرت یا به تجسس در کتابخانه‌ها، فضایل مخزونه شرق را از گنج اختفاء بیرون آورده با ترجمه و با حاشیه‌های مشروح طبع و انتشار می‌دهند. از آن جمله وقتی یکی از فضلاء خارجه با بنده نگارنده از کتاب منیه المرید سخن گفت در بنده تأثیر نمود. نسخه‌ای از آن بدست آوردم و مطالعه نمودم و آن را گنجینه مشحون از جواهر کلم و

معارف و مملو از لالی آداب و فضایل دیدم... مخصوصاً از نقطه نظر تاریخ تربیت دارای مقامی رفیع می‌باشد، و نیز از لحاظ ادبی و اخلاقی. جا دارد که آن کتاب شریف را مطالعه نمایند.^{۲۰}

ارجگذاریهای عالمان و محققان از کتاب شهید افزون از آن است که این مختصر گنجایش آن را داشته باشد. عالمان و مؤلفان بسیاری نیز افزون بر ستایش بلیغ از کتاب، آن را جزء منابع آثارشان آورده و بدان ارجاع داده‌اند؛ از جمله: مرحوم صدر المتألهین (م ۱۰۵۰) در شرح اصول کافی (ص ۱۵۵ و ۱۵۶)، مرحوم سید نعمت الله جزایری (م ۱۱۱۲) در الانوار النعمانیة، (ج ۳، ص ۳۳۸، ۳۸۰)، مرحوم سید محمد حسین عاملی (م) (الأثنی عشریة فی المواعظ العبدیة) (فصلهای ۹ و ۱۰ و ۱۱ از باب دوازدهم)، مرحوم مقدس اردبیلی (م ۹۹۳) در مجمع الفائده والبرهان (ج ۵، ص ۳۹۸)، مرحوم شیخ یوسف بحرانی (م ۱۱۸۶) در الحدائق الناضرة (ج ۱۸ ص ۱۰ و ۱۱)، مرحوم شیخ عبدالله مامقانی (م ۱۳۵۱) در مقیاس الهدایة فی علم الدرایة (چاپ شده با تنقیح المقال، ج ۳ ص ۱۱۳ و ۱۱۴) و... افزون بر اینها، دکتر عبدالامیر شمس الدین کتابی نوشته است درباره منیه المرید و تحلیل آراء و افکار تربیتی شهید؛ به نام زین الدین احمد فی منیه المرید، که در سال ۱۴۰۳ در بیروت چاپ شده است. (۶۲ ص).

به هر حال، سخن گفتن از آن چشمه سار زلال همواره جاری که قرنهاست جانهای شیفته و شیدای طالبان علم و جستجوگران فضایل و بلندبها را سیراب می‌کند، در این صفحات محدود به هیچ روی ممکن نیست.

چاپهای منیه المرید

این کتاب از سال ۱۳۰۱ قمری تا کنون به شش گونه در بمبئی، تهران، نجف و قم بارها چاپ شده است. (منیه المرید، مقدمه، ص ۶۰-۶۲). ناهنجارترین، مغلوپ‌ترین و تاجرانه‌ترین آنها، چاپ «مجمع الذخائر الاسلامیة» در قم است، و بهترین آنها متنی است که عالم بزرگوار، جناب آقای حاج شیخ حسن مصطفوی، تصحیح و چاپ کرده‌اند. آخرین چاپ منیه المرید (پیش از چاپ مورد گفتگو) با تصحیح و تحقیق آقای شیخ احمد قصبیر عاملی به سال ۱۳۶۳ به وسیله دفتر انتشارات اسلامی

در رقم نشر یافته است. این چاپ نیز به رغم برخورداری از برخی مزایا و ارجاع برخی از روایات و آثار به منابع، اغلاط و کاستیهای فراوانی دارد. به طوری که می توان گفت وجه مشترک تمام این چاپها، اغلاط فاحش و فراوان آنهاست. به طوری که حتی نام کتاب هم در این چاپها به اشتباه ضبط شده است (ص ۷۵-۷۶). و هرگز این چاپها شایسته چنین اثر گرانقدر و مایه وری نیست.

اینها که آمد و جز اینها، از یک سوی وارزش والای کتاب و جایگاه بلند آن در تعلیم و تربیت از سوی دیگر، فاضل سخنکوش و نکته بین جناب آقای رضا مختاری را بر آن داشت که به تحقیق فرایند و گسترده آن دست یازد. اینک پس از چهار سال تلاش - سپاس خدای را - کار تحقیق، استخراج منابع و چاپ آن پایان یافته، و کتاب حاضر در هیئت شکیل، زیبا و چشم نواز در اختیار تشنگان معارف اسلامی و جستجوگران آگاهی از تعلیم و تعلم اسلامی نهاده شده است.

نگاهی گذرا به چگونگی تصحیح و تعلیق

این تصحیح و تحقیق را از جهات مختلف باید نمونه ای از تصحیح و تحقیقهای کم نظیر تلقی کرد. چگونگی تصحیح آن را در مقامی به اجمال آورده ام^۱؛ و اینک با اندکی تفصیل و با نگاهی به مقدمه کتاب، نکاتی دیگر را در سه بخش می آورم.

۱) مقدمه کتاب

در مقدمه متون تصحیحی غالباً از کتاب، موضوع و مؤلف آن به اجمال و تفصیل سخن می رود؛ این مطالب بویژه در شرح حالها غالباً تکرار مکرر و گاهی «اطناب ممل» است. محقق محترم با هوشمندی تحقیقی در مقدمه از این کجروی مشهور اجتناب کرده و با نگاهی گذرا به شرح حال مؤلف، کلیه منابع آن را دقیقاً شناسایی و ارزشیابی کرده و نشان داده است که کدامیک از آنها تا چه اندازه ای سخن تازه دارد و در شرح حال مرحوم شهید سودمند خواهد بود. آنگاه با دقت و ژرفنگری درخور تحسین به مواردی پرداخته است که مؤلفان و شرح حال نگاران در شرح زندگانی وی آورده اند و حقیقت نه چنان است. در مثل در تاریخ شهادت مرحوم شهید دو قول است: ۹۶۵ و ۹۶۶ قمری. وی منابع هر دو قول را یاد کرده اند و با قراین و

دلایل قطعی و با پژوهشی وسیع نشان داده اند که ۹۶۵ درست است. (مقدمه، ص ۱۳-۱۷). همچنین بسیاری از شرح حال نگاران کتابی با عنوان صبح العقود و جواهر الکلمات به شهید نسبت داده اند؛ ولیک محقق محترم با دقت در محتوا و چگونگیهای کتابشناسانه روشن کرده اند که این دو کتاب - به ترتیب - از آن مرحوم محقق کرکی و مرحوم صیمری است. و در ضمن این بحث به خلطها، اشتباهها و تصحیفهای فراوانی تنبه داده اند. (مقدمه، ص ۲۴-۲۸). همچنین شهرت فراوانی یافته است که مرحوم شهید، شرح لمعه را در شش ماه و شش روز نگاشته اند؛ اما جناب مختاری با درنگریستن به نسخه های خطی آن و مطالعه و مقارنه دقیق منابع و مآخذ دریافته اند که نگارش آن حدود پانزده ماه طول کشیده است. (مقدمه ص ۴۱-۴۲). فراوان در منابع شرح حال شهید توان یافت که نوشته اند اولین تألیف شهید، روض الجنان و آخرین آنها الروضة البهیه است. محقق محترم با دقت هر چه تمامتر نشان داده اند که «آخرین» قطعاً درست نیست و «اولین» نیز؛ و دست کم دلیلی برای اثبات ندارد؛ بلکه قراینی برخلاف دارد. (مقدمه، ص ۳۲ و ۳۳). و نمونه های فراوان دیگر. این مقدمه سرشار است از تحقیقات شرح حال نگاری و آکنده است از فوائد کتابشناسی، و به پندار این بنده بهترین نمونه نقد و تمحیص شرح حال نگاریهاست و باید الگوی کسانی قرار گیرد که دست به این گونه پژوهشها می زنند.

مصحح محترم در مقدمه کتاب (ص ۱۳) یادآوری کرده اند که این پژوهشها و تحقیقات را در باره مرحوم شهید و آثار وی در ضمن اثری که در حال تدوین و تکمیل دارند بگسترده گی خواهند آورد امید است آن کتاب تا پایان سال ۱۴۱۱ که برابر با پانصدمین سال تولد شهید است تکمیل و منتشر شود.

۲) متن کتاب

بی گمان مهمترین مسئله در تحقیق نصوص به دست دادن متنی مطمئن و به دور از اغلاط، تصحیفها و تحریفهاست. برای رسیدن به این مقصد، محققان مقدمات و لوازمی یاد کرده اند که حتماً باید مورد توجه مصححان قرار گیرد. افزون بر آنچه در مورد یاد شده آمده است، تخریح مصادر و ارائه منابع پژوهش مؤلف نیز کاری است بسیار ستودنی و دریاری رسانی به محققان و

خوانندگان کار آمد و سودمند. در دست یافتن به متنی استوار محققان چاره‌ای ندارند جز مراجعه دقیق به منابع مؤلف و مقارنه آن با متن دست‌نوشته؛ و نیز دقت و گزینش مهمترین و کهنترین دست‌نوشته. محقق محترم در هر دو جهت کمال دقت را به کار بسته‌اند؛ در آغاز با پژوهش وسیع به چهل و شش نسخه دست‌یافته‌اند و با مقارنه و مقابله میان آنها، پنج نسخه برگزیده‌اند که نسخه اساس در میان این پنج نسخه، نسخه ابن‌شعیر عاملی، شاگرد شهید است؛ که در دوران حیات مؤلف و درشت دوماه و سه روز پس از نگارش مؤلف، وی به نگارش آن همت گماشته و از مؤلف شنیده و مرحوم شهید، در پایان نسخه به صحت آن گواهی داده است. (مقدمه، ص ۶۳-۶۶).

پس از مقابله، با دقت و وسواس کم‌نظیری آنچه را صحیح یافته‌اند در متن آورده و اختلاف نسخه‌های مهم - و نه هر حشو و زاید - را در پانوشتها یاد کرده‌اند.

مؤلف بزرگوار مرحوم شهید ثانی به عنوان منبع و مأخذ پژوهش خود از هفت کتاب یاد کرده است. (مقدمه، ص ۷۰).

محقق محترم با تتبع و مقارنه متن با منابع بسیار به پنج منبع دیگر نیز دست یافته‌اند. گاهی مرحوم شهید چنانکه شیوه پیشینیان بوده است، قسمت مهمی از یک کتاب را در لابلای صفحات اثر خود آورده‌اند. محقق این گزینشها را در پانوشتها با عنوان «لاحظ» مشخص کرده‌اند؛ یعنی اگر در صفحه ۱۹۸ پس از عبارتی در پاورقی آورده‌اند: لاحظ شرح المهدب، ج ۱، ص ۵۵، ۵۸؛ این بدان معناست که این متن عیناً از منبع یاد شده نقل شده است.

به یمن این پژوهش وسیع و تتبع بسیار گسترده است که محقق محترم به تمام آنچه در منیه المرید از روایات آثار، اشعار و اقوال آمده است، دست یافته و مصادر و مأخذ تمام آنها را به دقت در پانوشتها آورده‌اند. ولی در این منبع‌یابی از اقوالی که شهید با عنوان قبیل یا قال بعض العلماء... آورده است نیز نگذشته و مصدریابی کرده‌اند. محقق محترم در مقدمه کتاب یادآوری کرده‌اند که دقیقاً در مجموع کتاب، نه مورد را - اعم از شعر و جمله حکیمانه و حدیث و حکایت - نیافته‌اند.

گفتنی است که مأخذ روایات، آثار و اشعار همه از متون کهن پیشتر از منیه المرید انتخاب شده‌اند و در کنار مأخذ اصلی، برای بهره‌رسانی بیشتر به خوانندگان و پژوهشیان، منابع

متأخری مانند بحار الأنوار و کنز العمال نیز یاد شده است. اینک که بازار تحقیق و نشر بسیار گرم است، برخی از محققان! مطالب کتاب و متن تحقیقی را به مأخذ بسیار متأخرتر از کتاب ارجاع می‌دهند؛ و این کار گویانکه چندان بی‌سود هم نیست، ولی راستی را، آیا تحقیق و تخریج است؟! محقق محترم به برکت این تلاش وسیع و رجوع به منابع اصیل روایات، آثار و اشعار، بسیاری از مشکلات متن را گشوده و اغلاط فراوان نسخه‌ها و تصحیفها و تحریفها را از چهره کتاب زدوده است. (رجوع شود به مقدمه، ص ۷۴).

افزون بر آنچه یاد شد، این امور نیز اعمال و رعایت شده است:

۱- توضیح مواضع مشکل کتاب و تعلیقه‌های مناسب؛ برای نمونه رجوع شود به صفحات ۱۸۲، ۱۹۵، ۲۰۶، ۲۰۹، ۲۳۰-۲۳۲، ۲۵۰ و صفحات بسیار دیگر.

۲- یاد کرد سرگذشت کوتاه و منابع سرگذشت بسیاری از اعلام غیر مشهور متن؛ برای نمونه رجوع شود به صفحات ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۲۲، ۱۸۳-۱۸۴، ۲۲۴-۲۲۵، ۲۴۳، ۲۴۹.

۳- ذکر مأخذ فراوان و اقدام برای احادیث و آثار؛ به طوری که گاه برای یک حدیث یا اثر، ده مأخذ یا بیشتر یاد شده است؛ برای نمونه رجوع شود به صفحات ۲۸۴، پانوشته ۱؛ ص ۳۷۱ پانوشته ۳؛ و کمتر مطلبی است که بیش از سه مأخذ برای آن ذکر نشده باشد.

۴- قرار دادن عنوان بین دو قلاب [] برای فصول و قسمتهای بدون عنوان؛ برای نمونه رجوع شود به صفحات ۹۳، ۹۹، ۱۰۸، ۱۱۴، ۱۱۹، ۱۲۱ و....

۵- اعراب‌گذاری دقیق آیات، روایات، اشعار و کلمات و مواضع مشکل متن؛ برای نمونه رجوع شود به صفحات ۱۱۵-۱۱۹ که بخشی منقول از تفسیر منسوب به امام عسکری - علیه السلام - است و مطلقاً هیچ جا تا کنون اعراب‌گذاری نشده و با متنی صعب و دشوار است. و نیز به عنوان نمونه رجوع شود به صفحه ۲۴۹. و بعضاً مصحح در اعراب‌گذاری نکاتی باریکتر از مورا هم رعایت کرده است؛ مثلاً چنانکه می‌دانیم کلمه «عشر» را در عربی هم به فتح شین تلفظ می‌کنند و هم به سکون آن؛ ولی فصیحتر آن است که هرگاه معدود آن مؤثت باشد به سکون خوانده شود، و هرگاه معدود مذکر باشد به فتح.

چنانکه در قرآن مجید هم می‌خوانیم: «انّی رأیت احد عشر کوکباً» (یوسف؛ آیه ۴)، که چون معدود آن یعنی کوکب مذکر است، به فتح است؛ ولی در آیه «فأتوا بعشر سور مثله» (اعراف، آیه ۱۴۲)، که چون سور معدود مؤنث است، عشر به سکون خوانده می‌شود. بعضاً در این تصحیح این گونه نکات هم رعایت شده، نمونه: ص ۳۳۴: «فَهَذِهِ اثْنَا عَشْرَةَ خُصَلَةٌ»؛ ص ۳۳۵: «وَاثْنَتَا عَشْرَةَ آفَةٌ»؛ که خصله و آفة مؤنث است و «عَشْرَةٌ» به سکون شین ضبط شده است و در ص ۳۷۸: «فَهَذِهِ عَشْرَةٌ عُلُومٍ» که چون «علم» مذکر است، «عَشْرَةٌ» به فتح شین ضبط شده است.

۶- یکدستی و همگونی در ارجاعات؛ به گونه‌ای که هم در ذکر نام مآخذ و هم ذکر شماره صفحات و مجلدات، یکنواختی رعایت شده است و مثلاً چنین عمل نشده که یکجا در پانوشتها «معجم الادباء» ذکر شود و جای دیگر «ارشاد الأریب»؛ یا یک جا «مفاتیح الغیب» و جای دیگر «تفسیر کبیر» و جای دیگر «تفسیر رازی»، بلکه همه جا عنوان مشهورتر و صحیحتر و کوتاهتر ذکر شده و در بخش مآخذ، مشخصات هر کتاب ذیل همان نامی که در پانوشتها آمده ذکر شده و از سایر عناوین به عنوان مشهور ارجاع داده شده است.

۷- در ذکر مآخذ نیز دقت فراوان شده است؛ یعنی معمولاً علاوه بر ذکر نام مآخذ و شماره جلد و صفحه، نام کتاب و نام باب - و احیاناً شماره کتاب و باب در مآخذی که شماره داشته - و شماره حدیث آمده است. فی‌المثل از اصول کافی امروزه دست کم پنج نوع چاپ در دست است و مصحح گرچه شماره جلد و صفحات را بر اساس رایجترین و بهترین چاپ آن ذکر کرده است؛ ولی نام کتاب (مثلاً «کتاب فضل العلم») و باب و شماره حدیث را ذکر کرده است و از این طریق به آسانی می‌توان حدیث را در هر پنج نوع چاپ آن یافت.

۸- در پانوشتها تمام مواردی که مؤلف به قبل یا بعد ارجاع داده و گفته است «مر» یا «بآتی» که تقریباً فراوان هم هست، دقیقاً مشخص شده که کجاست.

۹- رعایت قواعد سجاوندی و نقطه‌گذاری و یکنواختی رسم الخط، و نیز سر صفحه‌های دقیق و گویا در سراسر کتاب از دیگر مسائلی است که باید از آن یاد کرد. (ونه تنها بسنده کردن به ذکر نام کتاب و مؤلف در سر صفحه‌ها که مطلقاً

سودی برای مراجعه کننده ندارد).

۳) فهرستها

فهرستهای راهنما در کتابها کلیدی را مانده‌اند که جستجوگر را به گنجینه مقصود می‌رساند. این گونه فهرستها هر چه جامعتر، گویاتر و گزیده‌تر باشد، سودمندتر و کارآمدتر خواهد بود. برخی از محققان - سوگمندان - حتی فهرست تفصیلی موضوعات را نیز بر نمی‌تابند و برخی دیگر از سر افراط، با فهرستهای ناسودمند، تنها بر صفحات کتاب می‌افزایند. محقق محترم در این بخش نیز سنگ تمام نهاده است. که از یک سوی فهرستها به تمام معنا راهنما باشند و از سوی دیگر با تعدد عناوین فهرستها جو فروشی و گندم‌نمایی نکنند و بر صفحات کتاب نیفزایند.

فهرست مصادر با دقت آمده و کتابشناسی گزارمانی آن در کمال استواری است. در ضمن یاد کرد فهرست منابع و مصادر، تاریخ ولادت و رحلت مؤلفان نیز آمده است که با دقت و وسواسی که از وی سراغ داریم بسیار سودمند خواهد بود.

مصحح از ۲۳۴ مآخذ در تصحیح متن و مقدمه استفاده کرده است که بیشتر آنها بیش از یک مجلد، و برخی مانند بحار و ذریعه در دهها مجلد است. منابعی که منحصراً در مقدمه از آنها استفاده شده با یک ستاره مشخص شده‌اند. در این بخش اسامی کامل و دقیق مصادر و تعداد مجلدات آنها ذکر شده و - گرچه خارج از بحث بود - مباحث جنبی دقیقی مطرح شده است. مثلاً محقق محترم نشان داده‌اند برخلاف مشهور که وفات راغب را در حدود سال ۵۰۰ قمری گفته‌اند، وفات وی در حدود سال ۴۰۰ است. (ص ۴۰۶)؛ درباره مؤلف کشف الوجوه الغرّ دو قول است. (ص ۴۱۲)؛ مصادقة الاخوان که به نام شیخ صدوق محمد بن بابویه چاپ شده، از آن پدر او علی بن بابویه است و نام درستش «اخوان» است و نه «مصادقة الاخوان». و نکات و ریزبینیهای دیگر.

در فهرست آیات، روایات، آثار، اشعار و اعلام دقتهایی به کار رفته است که با مراجعه به آن، روشن می‌شود. فی‌المثل در فهرست نام کتابها (ص ۴۷۰-۴۸۱)، برای جدایی و تمیز میان کتابهایی که از مآخذ بود یا به مناسبتی نامی از آنها به میان آمده، در کنار نام کتابهای غیرمآخذ، ستاره‌ای نهاده شده است

و در آغاز آن این نکته توضیح داده شده است. و بالاخره در فهرستها از افراط و تفریط پرهیز شده است. برخی در فهرستها، آیات و روایات و آثار را یکجا و مخلوط فهرست می کنند و از سوی دیگر، برخی بر تکثیر فهرستها. بدون اینکه کمترین سودی داشته باشد و تنها نتیجه اش تحقیر خواننده است. روی می آورند که مصحح از هر دوروی گرداننده و به اعتدال و سهل التناول بودن و کلاً توجه به هدف از تنظیم فهرست، روی آورده است. بگذریم... کتاب در مجموع، چنانکه پیشتر آوردیم، از

تحقیق و تصحیحهای کم نظیر، بلکه توان گفت بی نظیر سالهای اخیر است و اگر بگوییم تحقیق آن نیز همانند متن «منیة المرید» است، سخنی به گزاف نیست. یادآوری می شود که برخی از اغلاط چاپی در کتاب راه یافته است که قطعاً تا این حد ناگزیر بوده است و از یاد کرد آن خودداری می شود. و به محقق جوان و سختکوش آن دست مریزادی می گوییم و توفیق وی را در احیاء آثار گرانقدر تشیع، بویژه آثار شهید ثانی -رحمة الله علیه- از خداوند می خواهیم.

پانوشتها

- ۱- سورة علق، آیه ۵-۱.
- ۲- فقید تفسیر و درایت، مفسر گرانقدر قرآن، مرحوم استاد محمد تقی شریعی در تفسیر آیات اشاره شده نکته ای دارند که یاد کردنی است: تکرار اقوال اضافه بر اینکه اهمیت قرائت را می رساند باین نکته توجه می دهد که خوانا شدن و ملکه قرائت بوجود آمدن نیاز به تکرار و تلقین و تمرین دارد، و «ریک» را دوباره آوردن برای دلالت بر دو نوع تربیت است، اولی مفهوم تربیت خلقی و تکوینی است و از اینجهت با «الذی خلق» توصیف شده و دومی تربیت خلقی و تشریحی و بهمین مناسبت «الذی علم» را صفت آن قرار داد، ولی «الاکرم» در اینجا افزود که مقام شامخ دانش را بستاند که هیچ نعمتی حتی هستی و آفرینش با نعمت عظمای علم برابری نمی کند، برای اینکه برتری دانش بر آفرینش بهتر اثبات و معلوم گردد این آیه «ما عرک بربک الکریم الذی خلقک فسواک فعدلک» از سورة انفطار را با آیه مورد بحث مطابقت می کنیم که در آنجا خداوند برای نعمت خلق و تسویه و تعدیل و تصویر و ترکیب بکریم یعنی بخشنده متصف شده و اینجا برای تعلیم تنها به «اکرم» یعنی بخشنده تر موصوف گردیده است. تفسیر نوین (چاپ دو جلدی) ج ۲، ص ۱۲۴.
- ۳- سنن ابن ماجه، لأبی عبد الله محمد بن یزید بن ماجه القزوی. (تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت دارالفکر)، ج ۱، ص ۸۳؛ منیة المرید (چاپ مورد گفتگو)، ص ۱۰۶.
- ۴- سورة زمر، آیه ۹.
- ۵- الجامع الصغیر فی احادیث البشیر النذیر، لجلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر السیوطی. (بیروت دارالکتب العلمیه، الطبعة الرابعة)، ج ۱، ص ۴۴؛ منیة المرید، ص ۱۰۳.
- ۷- الترقیب و الترهیب من الحدیث الشریف، لزرکی الدین عبدالعظیم بن عبدالقوی المنذری. (تحقیق مصطفی محمد عماره، الطبعة الثانية، بیروت، دارالفکر)، ج ۱، ص ۱۰۰؛ منیة المرید، ص ۱۰۴.
- ۸- سنن الترمذی، لأبی عیسی محمد بن عیسی بن سورة الترمذی. (تحقیق احمد محمد شاکر، بیروت، داراحیاء التراث العربی)، ج ۵، ص ۵۰.
- ۹- غرر الحکم و دُرر الکلم، عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی. (تحقیق میر جلال الدین حسینی ارموی، دانشگاه تهران، ۱۳۴۲)، ج ۱، ص ۲۰۵.
- ۱۰- بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة علیهم السلام، علامه محمد باقر المجلسی. (بیروت داراحیاء التراث العربی)، ج ۷۴، ص ۱۷۵.
- ۱۱- الکافی، لأبی جعفر ثقة الاسلام محمد بن یعقوب الکلینی. (تحقیق علی اکبر الفخاری، تهران دارالکتب الاسلامیه)، ج ۱، ص ۳۵. قریب به مضمون روایت یاد شده از امام صادق ع- نیز نقل شده است؛ رک: بحار الأنوار (پیشگفته)، ج ۷۵، ص ۲۷۷.
- ۱۲- در بسیاری از مجموعه های حدیثی عناوین «کتاب فضل العلم»، «باب فضل العلم»، «کتاب العلم و الجهل» دیده می شود از آثار روایی جدید باید از مجموعه بسیار گرانقدر الحیة یاد کرد که مؤلفان بزرگوار آن بخش عظیمی از این روایات را در بابی با عنوان «المعرفة و اصلتها» و با سرفصلها و عناوینی زیبا و گویا گرد آورده اند؛ رک: الحیة. محمد رضا الحکیمی، محمد الحکیمی، علی الحکیمی. (دائرة الطباعة والنشر تحت اشراف جامعة المدینة فی قم، ۱۴۰۱)، ج ۱، ص ۲۱۲-۲۳۱.
- ۱۳- برای آگاهی از چند وجوه کتاب محمد بن سحنون، رک: من اعلام التریة العربیة الاسلامیة، (مکتب التریة العربیة لدول الخلیج، ۱۴۰۹)، ج ۱، ص ۲۱۹-۲۷۷.
- ۱۴- همان، ج ۲، ص ۲۷۳.
- ۱۵- همان، ج ۳، ص ۲۹۵.
- ۱۶- همان، ج ۳، ص ۱۷۳. کتاب زرنوجی را بعدها با اندک تغییری با عنوان آداب المتعلمین به غلط به خواجه نصیرالدین طوسی نسبت داده اند رک: راهنمای کتاب (سال نوزدهم، شماره ۵-۶، تیر و شهریور ۱۳۵۵)، ص ۴۲۷؛ مقاله «مؤلف آداب المتعلمین». محمد تقی دانش پژوه. برای آگاهی از متفکرانی که در زمینه تعلیم و تربیت اثری نگاهشته اند و اطلاع از آثارشان رک: من اعلام التریة العربیة الاسلامیة (پیشگفته)، ۴ جلد؛ «آداب تعلیم و تعلم در اسلام» سید محمد باقر حجتی ص ۶۶۳-۷۲۰.
- ۱۷- الدر المنثور من المأثور و غیر المأثور، علی بن محمد بن الحسن بن الشهید الثانی العاملی (تحقیق السید احمد الحسینی، الطبعة الأولى، قم ۱۳۹۸)، ج ۲، ص ۱۸۶.
- ۱۸- رک: منیة المرید، (چاپ مورد بحث)، ص ۷ و ۵۵، مقدمه مصحح.
- ۱۹- اعیان الشیعة، السید محسن الامین العاملی. (تحقیق السید حسن الامین دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۳)، ج ۷، ص ۱۴۵.
- ۲۰- مجلة تعلیم و تربیت، سال اول، شماره پنجم مراد ۱۳۰۴ شمسی)، ص ۲۰.
- ۲۱- مجلة حوزه، (سال پنجم، شماره پنجم، شماره مسلسل ۲۹)، ص ۱۶۴.